.دخترش جِنّی شده

تفنگشو بده میخواد به پای دخترش تیر بزنه.

تفنگامونو کجا میبرین؟

کجا میری؟

من یه سربازم، به من چه ربطی داره؟

.دستور استواره تفنگها رو جمع کنیم

اومدیم تفنگامون رو پس بگیریم.

چندتا مجوز؟ این همه حیوون میکشین!

چی شد آلطیف، چرا ادرارتو نیاوردی؟

امشب میارم خدمتت.

چی شده ملیحه؟

تو اینجا چیکار میکنی؟

آهای استوار!

زالاوا جن اومده، خونه خراب شدیم.

به دادمون برسین، به دادمون برسین.

خونه خراب شدیم.

جن اومده، زالاوا جن اومده.

جن بهمون زده.

استوار! چرا به دادمون نمیرسین؟

زالاوا جن اومده.کجا میری؟

برگرد! خونه خراب شدیم.

استوار خونه خراب شدیم.

زود باش، زود باش.

از این طرف بیا.

فرار کنین! ازین طرف بیاین!

ای داد، بیاین نگران نباشین.

چیزی نیست.

بیا...بیا.

کمک، کمکمون کنین.

پدرجان...

بیا...بیا!

بابا جان...

بابا جان...

فرار کنین، فرار کنین.

داداش وایسا! وایسا بیام کمک.

بیا، بیا ازین ور!

بیا کمک.

صبر کن، بیا این طرف.

ولش کن بذار بیاد این­وَر.

خب بیا پایین!

واسه اینکه شیطان تو جلدت نره.

صالح بیچارۀ منم جنّی شد، مُرد.

کاش من جات میمردم، عزیزم.

ای پسرم.

کجا میرین بابا؟ کجا میرین؟

یکی بره دنبال خانوم دکتر.

گوسفندهام آوارۀ دشت و کوه شدن.

الماس جان چند بار گفتم

این خونه جن داره؟

کجا؟... کجا؟

خانوم جان کجا میرین؟

پس آمردانو واسه چی آوردیم؟

آخه چرا میرین؟

این همه زمین و درختو ول میکنین برین؟

فقط سالی یه بار جن میاد، کجا میرین؟

حرف حسابتون چیه؟

آمردان هم آوردیم. چی میخواین دیگه؟

عزیزم کجا میری؟

چرا آمردان شروع نمیکنه پس؟

همه رفتن دیگه!

شروع کن آمردان، شروع کن دیر شد.

مشتریامون بفهمن بیچاره میشیم.

گوسفندهامونو نمیخرن ازمون.

سدّ چی؟

اگر آمردان نتونه این جنّه رو بگیره،

من یکی که از اینجا میرم.

میرم! میرم!

اینم شد کار؟ بار و بَندیلتو برداری بری شهر؟

جن اومده؟ خب میگیریمش.

هنوز گردوهارو نچیدیم.

وقت فروش گوسفندهاست.

لابد نحسی گرفتیم که سالی یه بار جن میاد سراغمون.

آخه کولی جماعتو چه به کشاورزی؟

ای خدا همه گوسفندهام جنّی شدن.

همشون آوارۀ کوه و بیابون شدن.

بدبخت شدم رفت.

پارسال تو اون سه روزی که آمیرزا، جنّو گرفته بود…

همۀ لکه­های صورتمون پاک شده بود.

تو یادت نمیاد، خیلی خوشگل شده بودم.

وایستین!

جن دید، غش کرد!

تفنگ و ساز!

برو تفنگتو بیار، الان مطربهام میرسن.

مگه خودت تفنگ نداری؟

تو تفنگتو بیار!

تفنگ من یه خَر رو هم نمیتونه بزنه، خرابه.

اگر این ترسید، با این منو بزن.

یه جوری که خون بپاشه بیرون.

خودت میدونی دیگه.

شما که دلتون به حال این مردم نمیسوزه.

بده خودم میزنم.

از کمر به پایین!

خیالت راحت.

کمر به پایین!

کمر به پایین دیگه!

کجا بودین؟ چرا اینقدر دیر اومدین؟

شرمنده­ام، ببخشید کا خلج.

بزنیدش، بزنیدش!

بدون جن اومده بیرون!

بزنیدش، بزنیدش!

بزنیدش، بزنیدش!

بزنیدش!

بزنیدش! بزنیدش!

بزنیدش!

تو رو خدا بزنیدش.

گرفتمش...

گرفتمش!

گرفتمش!

شادی کنین تا صداتون به جن­ها برسه.

شادی کنین.

زنده­باد آمردان.

چیکار میکنی؟

ولش کنین.

استوار، آمردان خیلی مرد خوبیه. چرا آزارش میدین؟

آزادش کنین بره.

آمردان پسر منو نجات داد.

چی از جونش میخوای؟

مگه تو چیکار کردی واسه ما؟

ولش کن.

احترامشو نگه دار، آزادش کن بره.

دمت گرم.

روی پدر مادرت سفید!

خونه­ت آباد.

چیز ­میزاشو جمع کن بریم.

شرمنده آمردان.

آمردان چیزی لازم نداری؟ سیگاری، چیزی؟

آمردان به خدا من یه سرباز بدبختم.

کاره­ای نیستم.

فردا دوباره با استوار حرف میزنم آزادت کنه.

نامرد میخواست جلوی خانوم دکتره خودشیرینی کنه،

وگرنه هیچ غلطی نمیتونه بکنه.

خوشی دنیا مال جن­هاست.

عاشق عروسی­اَن.

یک عالمه عُمر میکنن.

آخر چیه این آدم؟!

آمردان به خدا من یه سرباز بدبختم.

فقط سه روز از خدمتم مونده.

ما هر جای دنیا بودیم کلی تحویلمون میگرفتن.

اصلاً آدمایی مثه ما یه جایگاه ویژه دارن.

انجمن دارن.

حقوق ثابت دارن.

آمردان شما که تو سد آشنا دارین،

میتونین بگین منم استخدام کنن؟

حقوقش خوبه، منم که تو رو قبول دارم.

نوکر خودت و جن­هات هم هستم.

یکی دو تا از اون جن­هات رو بنداز به جونشون،

بگو باید این پسره، یونس رو استخدام کنین.

از اون روزی که دختر خلج رو کشتن .

چهل شبه مشغول ریاضتم.

خواب و خوراک نداشتم که بتونم این جنه رو بگیرم.

حسش میکنم.

این جنّه بیقراره.

برو اون شیشه جنّو وردار بیار.

مشکل برام پیش میاد آمردان.

برو بیارش.

هنوز کارم باهاش تمام نشده.

باید منکوبش کنم، خطرناکه.

راستش ترسیدم بهتون بگم.

من شیشه جنّو با یه شیشۀ دیگه جابجا کردم.

شیشه جنّو گذاشتم تو وسایل خانوم دکتر.

چی گفتی؟

شیشه جنّو گذاشتم تو وسایل دختره.

چرا این کارو کردی بی­شرف؟!

آخه چرا بی­ناموس؟!

اون مردم بدبخت.

خدا بهشون رحم کنه.

خدا بهشون رحم کنه.

اون شیشه نباید امشب تو روستا میموند.

خدا بهشون رحم کنه.

ترسیدم استوار در شیشه رو باز کنه.

گه زدی به زندگی خودت و اون مردم بیچاره.

خدا به زالاوایی­ها رحم کنه...

به اون دختره.

به اون دختره.

به اون دختره.

چه خوشگلن این خرگوشها، اینها رو زنده گرفتین؟

آره تفنگامون خراب شده، تله گذاشتیم.

نمیدونم چرا اینجوری شده تفنگامون!

آخی، زبون­بسته­ها.

بفرمایین خانم دکتر.

دستت درد نکنه.

شب بخیر.

شب بخیر.

دست نگه دارین!

صبرکنین...چیکار می کنین؟

میخوای چیکار کنیم؟ باید جای جنّو آتش بزنیم.

تفنگت کو؟

کاک خلج جن تو شیشه نیست؛

من که گفتم جنّو تو کوچه دیدم، چرا میخواید اینجارو آتیش بزنین؟

تو گه نخور.

اونی که تو دیدی سایه جنّه.

شیشه رو از بین ببریم،

جن هم از بین میره کودن.

آقا صبر کنین به پاسگاه بگیم آمردانو آزاد کنن؛

خودش بیاد جنّو بگیره.

آمردان فرار کرده.

مردم آبادی!

تو خانۀ سپاه بهداشت جن پیدا شده.

زن و بچه­ها تو خونه بمونن.

از هر خونواده هم، یه مرد غسل کنه بیاد برای جن­گیری.

هیچکس به خونه خانوم دکتر نزدیک نشه.

زن و بچه­ها تو خونه بمونن.

از هر خونواده هم، یه مرد غسل کنه بیاد برای جن­گیری.

مردم آبادی!

تو خانۀ سپاه بهداشت جن پیدا شده.

تکون نخور.

وایسا وگرنه میزنمت.

بزنیدش.

بزنیدش.

جنّی شده، بزنیدش!

بزنین این پدرسّگو.

صبر کنین بابا!

تیراندازی به مأمور قانون، حکمش اعدامه.

من بخاطر مردم حاضرم اعدام هم بشم.

فقط خانوم دکتر نبود؛ جنّه هم شاهد عشق­بازیتون بود.

آموسی! بکشیمشون یا بسوزونیمشون؟

زجرکُش میشن تو آتیش.

بشن! اینا آدم نیستن که؛ جنّ­اند.

بابا یه کم رحم داشته باشین.

اول بکشیمشون بعد آتیششون بزنیم.

نذارین بیچاره­ها زجرکُش بشن تو آتیش.

آقا لازم نیست بکشیمشون.

چند تا تیر، کمر به پایین میزنیم. خون بپاشه بیرون و تمام.

گیرم که زدیم و خون پاشید بیرون، بعدش؟

باید یه جن­گیر باشه که اسیرش کنه یا نه؟

جن­گیر هم که میاد زندانیش میکنن.

تا دو سه روز اونقدر خون ازشون میره که میمیرن.

خواهر من تا جن­گیر برسه اونقدر خون ازش رفت تا مُرد.

آقا اصلاً ما کمبود جن­گیر داریم تو این منطقه.

خواهر تو سَرِ زا رفت لیلا.

چه ربطی به جن داشت؟

نه اینطوری نیست، جن گرفته بودش.

تو که نتونستی براش کاری کنی.

لیلا تو واقعاً میخوای ما رو بکشی؟

به دو نفر شلیک کنی بهتر از اینه

که بچه­هامون اسیر جن بشن.

ببخش...

ببخش ملیحه.

زوده.

وحشی! میکشیشون.

آمردان اومد.

خوش اومدی آمردان

به موقع اومدی آمردان .

خوش اومدی

زنده باد آمردان.

خوش اومدی آمردان، خوش اومدی.

میدونستم ما رو تنها نمیزاری.

خوش اومدی.

این پاکه، میتونه بره.

چه جور جن­گیری هستی که نمیدونی جن­هات کجان؟

اگه میذاشتی کارمو تموم میکردم

این مردم و این دختر بدبخت، اینطور اسیر نمیشدن.

آمردان داخله.

آمردان داخله.

چرا اینجوری میکنی؟

مطمئن نیستم گرفته باشمش.

این آزمایش ادرارِ آلطیفه.

زنده از اینجا رفتیم بیرون،

خودم برات میشاشم.

خب الان باید چیکار کنیم؟

هر لحظه ممکنه اینجارو آتیش بزنن.

برو بگو جن تو اون شیشه­ است.

اگه نباشه چی؟!

دیگه به من و هیچ جن­گیر دیگه­ای اعتماد نمیکنن.

صبر کنین!

جن اینجاست.

آمردان جنّو کرده تو شیشه.

وایستا،

وایستا سرجات.

باور کنین جن اینجاست.

آمردان کجاست؟

آمردان نمیتونه بیاد.

مگه جنّو نمیخواستین؟

اینجاست دیگه.

ما تورو قبول نداریم.

باید آمردان خودش بیاد بگه.

آمردان زنده­ای؟

چرا جواب نمیدی؟

خفه­ش کردن.

آمردانو کشتین.

رو استوار اسلحه نکشین آقا!

رو استوار اسلحه نکشین!

ای بابا...

آمردانو کُشتن این پدرسّگا!

بزنیدش.

بزنیدش.

دارم میگم جن تو این شیشه است!

چرا از یه چیز هیچ و پوچ میترسین؟

آمردان خودش چرا نمیاد؟

الان نمیتونه بیاد.

آمردان بیا بیرون.

آمردان، آمردان!

بیا بهشون بگو جنّو گرفتی.

چشمهای ملیحه مثل چشمهای دختر

خلج شده که جنی شده بود.

تو رو خدا بکشینشون.

چشمهای من؟!

اینا بدبختمون میکنن. بزنیدشون!

چرا نمیزنیش آموسی؟

اسد چرا نمیزنیش؟

آروم باشین!

جن تو این شیشه است.

چرا وایستادی؟

بندازش بالا!

نمیشه یه جور دیگه جنّو بگیریم؟

باید حتماً به پاشون شلیک کنیم؟

بزنین تمومش کنین، بزنین!

بزنین تمومش کنین، از کار و زندگی افتادیم.

جرأت نداریم گوسفندهامونو ببریم چِرا.

آرَحیم تو بزن!

بدین جوونا بزنن، یاد بگیرن.

اگه من به ملیحه تیراندازی کنم، ازم دلخور میشه.

باید ازت تشکر هم بکنه.

جن از بدنش میاد بیرون.

آخه ما با هم دوستیم.

من دیگه نمیتونم.

نورآبادیا هم دیگه اینجوری جن نمیگیرن.

هیچ­جا دیگه این رسم نمونده؛ بهشون شلیک نکنین.

جوونا وجودشو ندارن.

تو خودت چرا نمیزنی؟

اسلحه­هاتون خرابه، بلایی سر استوار نیارین!

گلوله نداشت.

جنّو نگرفته.

چرا گرفته.

مطمئن نیستم گرفته باشمش!

خودش میگه مطمئن نیستم.

خودش گفت بهم شلیک کنین.

بزنیدش.

بزنیدش.

چطوری به آمردان شلیک کنیم؟

مطمئن نیستم گرفته باشمش.

من نمیتونم به آمردان شلیک کنم.

مطمئن نیستم گرفته باشمش.

مطمئن نیستم گرفته باشمش.

مطمئن نیستم گرفته باشمش.

من واسه کمک به شماها اومدم.

از کمر به پایین!

جن مهار شد، شادی کنین.